

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۹

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۷

## اصلاح و تغییر رفتارهای فردی و اجتماعی در عصر ظهور از منظر امامیه و اهل سنت

رضا قزی<sup>۱</sup>

سید صمصام‌الدین قوامی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروز جوامع در ابعاد مختلف در حال تغییرند و رهبران به منظور حفظ بقای جوامع خود، نه تنها باید خود را با تغییرات آینده وفق دهند، بلکه باید با ایجاد تغییر و تحول مطلوب، در جامعه اثربخشی بیش‌تری داشته باشند. در این جهت وظایف آنها، از جمله مدیریت رفتار در حال دگرگونی است. نظر به اهمیت موضوع این مقاله به بررسی بعضی از مهم‌ترین اقدامات در اصلاح تغییر رفتار فردی و اجتماعی می‌پردازد که مورد توجه حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الکرمین در جامعه عصر ظهور است. با استفاده از روایات فِرَق، اساس تئوری تغییر و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی ایشان بر دو محور شکل گرفته است: محور اول، از طریق ایجاد خودانگیزگی در افراد دست به اصلاح رفتار فردی می‌زند؛ محور دوم، با فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی آن در جامعه دست به اصلاح رفتار اجتماعی می‌زند. بسیاری از آموزه‌های مهدوی به حوزه فرهنگ‌سازی توجه داشته و دستورهایی به این منظور صادر کرده است. با توجه به روایات فرق به نظر می‌رسد که حضرت با ایجاد انگیزش و

۱. دانشجوی دکتری ادیان و عرفان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه قم (نویسنده مسئول)  
(rghaz@ymail.com)

۲. استاد درس خارج حوزه علمیه قم و نظریه پرداز در عرصه مدیریت اسلامی.

فرهنگ‌سازی، رضایت‌مندی افراد را جلب نموده و انسان‌ها با آگاهی کامل رفتار ناصواب خویش را رها می‌سازند.

### واژگان کلیدی:

رفتار فردی، رفتار اجتماعی، عدالت، امنیت، انگیزش، فرهنگ، عصر ظهور.

### درآمد

رفتارهای اعضای یک جامعه نقش اساسی در موفقیت و شکست آن جامعه دارد. همین موضوع بسیاری از اندیشمندان و پژوهش‌گران را ترغیب کرده است که در مورد هدایت و تغییر رفتارهای افراد پژوهش نمایند. بسیاری از پژوهش‌های رفتار سازمانی نقش باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها را در هدایت و کنترل رفتار اجتماعی بسیار ویژه می‌دانند. بررسی روایات سیره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الکریم نشان‌دهنده کاربرد اصولی به شکلی کامل و متعالی در فعالیتهای تغییر و اصلاح رفتاری ایشان بوده و امید است با بررسی سیره ایشان و تبیین و ترسیم خط‌مشی‌های نظام حکومتی امام عصر عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الکریم بتوان به بهترین شکل، جامعه را به مرزهای رفتارهای مطلوب فردی و اجتماعی عصر ظهور نزدیک کرد. این امر می‌تواند برکات بسیاری را برای جامعه کنونی به بار آورده و امر فرج حضرت را زمینه‌ساز باشد.

این مقاله در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که «تغییر و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی در حکومت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الکریم چگونه است؟» پرسش‌های فرعی دیگری نیز قابل طرح است:

یکم: اصلاح و تغییر رفتار فردی در عصر ظهور چگونه است؟

دوم: اصلاح و تغییر رفتار اجتماعی در عصر ظهور چگونه است؟

سوم: منظور از فرهنگ و فرهنگ‌سازی در حکومت ایشان چیست؟

چهارم: منظور از خودانگیختگی در عصر امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الکریم کدام است؟

تلاش نگارنده در این مقاله به این پاسخ رهنمون شده است که «تغییر و اصلاح رفتار فردی و اجتماعی از طریق خودانگیختگی افراد و فرهنگ‌سازی در جامعه شکل می‌گیرد». این نوشتار در صدد است تا مطابق قاعده (۲+۴) امکان ردیابی تصویری روشن از اصلاحات رفتاری فردی و گروهی، حکومت حضرت را بررسی نماید. در اهمیت و ضرورت بحث همین اندازه کافی است که با الگوگیری از سیره امام مهدی عجل‌الله‌تعالی ورحمه‌الکریم و نزدیک شدن رهبران و مدیران کشورهای اسلامی به سیره مدیریتی ایشان، هر چه بیشتر به نقش فرهنگ عدالت و امنیت توجه شود، رضایت‌مندی اجتماعی حاصل شده و اصلاحات اجتماعی مورد نظر اسلام تحقق می‌یابد.



هم‌چنین با بررسی شواهد روایی عصر ظهور «انگیزش» به عنوان مهم‌ترین عامل اصلاح رفتار فردی و «فرهنگ‌سازی» به مثابه مهم‌ترین اصلاح و تغییر رفتار اجتماعی یاد می‌شود. با کاوشی که در میراث روایی امامیه و اهل سنت، سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور صورت گرفته است، رفتار مطلوب صرفاً محصول نوعی شکوفایی یا بلوغ فرهنگی در عصر ظهور نبوده است؛ بلکه شواهد روایی یاد شده، نشان از تغییر و تحول در سه زمینه بینش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هاست و با استناد به برخی روایات صحیح، تحولات فرهنگی و تغییرات رفتاری انسان‌ها در سایه سار معرفت والا، مورد تأکید قرار خواهد بود. هدف از این پژوهش، شناسایی عناصر رفتار فردی و اجتماعی موجود و اصلاح و تغییر در جهت رفتار مطلوب در سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. روش انجام این پژوهش، تحلیل اسنادی به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده است و برای این منظور، از قرآن کریم، منابع روایی فریقین و سایر منابع معتبر در زمینه سیره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف استفاده شده است.

### تعریف مفاهیم

**اصلاح:** به لحاظ لغوی، مصدری عربی و مفرد واژه «اصلاحات» است و دارای معانی متعدد و متنوعی است که عبارتند از به سامان آوردن، درست و راست کردن، التیام بخشیدن، سازش و آشتی دادن، دور کردن تباهی، رفع عیب و فساد، به صلاح آوردن، نیک و بهتر و استوار کردن. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۲، ۲۳۹۱؛ جوهری، ۱۴۰۴: ج ۱، ۳۸۴) در زبان عربی، کلمه «اصلاحات» رایج بوده و از واژه «التعدیلات» نیز به جای اصلاحات به کار می‌رود و در قیاس با آن نیز به کار می‌رود و معادل «Reform» می‌باشد. البته اصلاحی که معادل رفرم است، اصطلاحی خاص در فرهنگ و اندیشه سیاسی است و به نوعی خاص به تحولات و تغییرات اجتماعی نظر دارد. راغب اصفهانی نیز در مفردات، «اصلاح» را در برابر «افساد» قرار داده و این اوصاف را عموماً مختص اعمال و افعال انسانی دانسته است و اصلاح، گاهی نیز در برابر گناه آمده است. (الراغب، ۱۳۹۲: ۲۹۲) البته روشن است که مقصود از «اصلاح» در واژه «اصلاح طلبی»، اصلاح اجتماعی است و اصلاح اجتماعی یعنی دگرگون ساختن در جهت مطلوب یا رهایی از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب و این به دو صورت ممکن است یا نفی وضع موجود به طور کلی برای نیل به وضع مطلوب و یا بازسازی و تحول‌زایی در وضع موجود با حفظ هویت‌ها و اصول در رسیدن به وضع مطلوب. (مطهری، ۱۳۵۸: ۷)

**رفتار:** در لغت به معنای سلوک، معامله، شیوه، سیره، روش، سیر و حرکت آمده است.

(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه رفتار) رفتار در اصطلاح عبارت است از هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان، اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی باشد. این اصطلاح برای هر عمل خاص یا مجموعه اعمال به کار می‌رود. (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۵۴) رفتار اجتماعی، رفتاری که از دیگران متأثر شده یا به وسیله دیگران شرطی شده است. (همو: ۵۵) به عبارتی، رفتاری است که از فرد یا گروه، نسبت به کسی یا چیزی در چارچوب فرهنگ مادی و معنوی سر می‌زند. (شایان مهر، ۱۳۷۷: ۲۸۲)

**نیاز:** عبارت است از چیزی در درون فرد که او را به فعالیت و انجام کار وادار می‌دارد. (هرسی و بلانچارد، ۱۹۹۳: ۲۰) به عبارت دیگر، نیاز حالتی درونی است که باعث می‌شود نتیجه معینی جذاب به نظر برسد. (رابینز، ۱۹۹۳: ۲۰۵)

**سائقه:** يك نیاز ارضا نشده باعث ایجاد تنش می‌شود و این تنش موجب می‌گردد، سائقه‌هایی در درون فرد برانگیخته شود. این سائقه‌ها اموری درونی هستند که باعث می‌گردند فرد در پی تأمین اهداف ویژه‌ای، رفتار جست‌وجوگرانه‌ای از خود بروز دهد. (هرسی و بلانچارد، ۱۹۹۳: ۲۱)

**هدف:** عبارت است از چیزی در خارج از فرد. روان‌شناسان غالباً آن را محرک می‌نامند و گاه به پاداش‌هایی اشاره دارد که فرد به آن امید بسته است و انگیزه‌هایش به سوی آن‌ها هدایت می‌شود. (هرسی و بلانچارد، ۱۹۹۳: ۲۰)

**انگیزش:** این واژه در انگلیسی، از کلمه لاتین Movere (حرکت کردن) گرفته شده است. این اصطلاح همان‌گونه که از معنای رایج آن برمی‌آید، به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد. انگیزش به این معنا تمامی روان‌شناسی را در برمی‌گیرد، اما روان‌شناسان مفهوم انگیزش را به عواملی محدود می‌سازند که به رفتار نیرو می‌بخشد و به آن جهت می‌دهد. (اتکینسون، ۱۹۷۵: ج ۱، ۵۰۹) انگیزش مرکب از تعامل و وابستگی عوامل سه‌گانه نیاز، سائق و اهداف است. در تبیین مفهوم «انگیزه» گفته شده است: انگیزه‌ها عبارتند از: «چراها»ی رفتار. انگیزه‌ها باعث شکل‌گیری و ادامه فعالیت شده، جهت کلی رفتار فرد را نیز مشخص می‌کنند. از انگیزه‌ها، گاه به نیازها، خواست‌ها، کشش‌ها، سائقه‌ها یا محرک‌های درونی فرد نیز تعبیر می‌شود. (هرسی و بلانچارد، ۱۹۹۳: ۲۵) انگیزه‌ها باعث هدایت رفتار و هدف‌ها موجب ارضاء انگیزه‌ها می‌شود.

در همین راستا یکی از صاحب‌نظران «انگیزش» را فرایندی می‌داند که با يك نیاز یا کمبود زیستی یا روانی آغاز شده و رفتار هدفمند یا انگیزه‌ای را در جهت محرکی خارجی فعال می‌نماید. (رضائیان، ش ۳۱، ۸۷) وی بر اساس این تعریف، رمز شناخت فرایند انگیزش را نیز در معنای

مفاهیم نیازها، انگیزه‌ها، محرک‌ها و روابط میان آن‌ها می‌داند. انگیزش انسان اعم از خودآگاه یا ناخودآگاه، ناشی از نیازهای اوست. بنابراین در تعریف انگیزه می‌توان گفت: انگیزه یا نیاز عبارت است از حالتی درونی و کمبود یا محرومیتی که انسان را به انجام یک سری فعالیت وامی‌دارد. (سیدجوادین، ۱۳۸۶: ۴۵۵) کوتاه سخن این که نظریه پردازان از چند منظر به «انگیزش» نگریسته‌اند که در نتیجه، بر مفاهیم متفاوتی تأکید دارند. به طور کلی، این دیدگاه‌ها نسبت به انگیزش، به سه نتیجه منجر می‌شود:

تجزیه و تحلیل انگیزش باید بر عواملی متمرکز شود که فعالیت‌های فرد را برمی‌انگیزد.

«انگیزش» فرایندگر است و بر انتخاب، جهت و هدف توجه دارد.

«انگیزش» بر چگونگی آغاز رفتار، تداوم یا توقف آن توجه دارد و بیان‌گر آن است که فرد

دارای انگیزه چه نوع واکنش عینی نشان می‌دهد.

این نتایج به عنوان مبنایی برای بحث درباره نظریه‌های انگیزشی امروز به شمار می‌آید.

(آندروو دیگران، ۱۹۷۶: ۸۸)

### نقش انگیزش در اصلاح رفتار

از آن جا که یکی از وظایف مهم رهبران در جوامع، شناسایی استعدادها و بالقوه کنشگران و فراهم نمودن زمینه‌های رشد و شکوفایی آنان است، برای ایجاد انگیزش، لازم است که نیازها شناسایی و در جهت ارضای آنها تلاش شود. چالش اصلی یک جامعه ایجاد تعادل میان اهداف کلی و مشخص آن جامعه و ارزش‌های شخصی کنشگران است. بنابراین انگیزش، محصول مشارکت و نتیجه رابطه متقابل (تعامل) فرد با موقعیتی است که در آن قرار می‌گیرد.

در یک طبقه‌بندی کلی انگیزه‌های افراد در سه گروه (فیزیکی، اجتماعی و روانی) قرار می‌گیرند. به بخشی از نیازهای انسان در محیط کار و اجتماع مانند تسهیلات رفاهی محیط کار (محل مناسب کار، هوا، نور و...) انگیزه‌های فیزیکی اطلاق می‌شود. به دسته‌ای از نیازهای افراد که به رفتار دیگران به ویژه رهبری جامعه ارتباط پیدا می‌کند و بیشتر نیازهای اجتماعی را برطرف می‌سازد، انگیزه‌های اجتماعی می‌گویند و آن گروه از نیازهایی که رضایت روحی افراد را در پی دارد، جزء انگیزه‌های روانی محسوب می‌شود. برخی پژوهشگران اسلامی بعد از دسته‌بندی کردن انگیزه‌ها، متغیرهای اساسی تأثیرگذار در انگیزش را چنین معرفی می‌کنند، (آقایپرو، ۱۳۸۳: ۱۸۳) که در ذیل می‌آید.

## انگیزه‌های فیزیکی - مادی

انگیزش اولیه یا فیزیولوژیک؛ این انگیزه‌ها شامل آن دسته از انگیزه‌ها هستند که نیازهای زیستی موجود زنده را برطرف می‌کنند و جنبه ذاتی دارند. در ضمن این انگیزه‌ها، مشترک بین انسان و حیوان بوده و هدف آن‌ها این است که موجودیت ارگانیسم به خطر نیفتد. (گنجی، ۱۳۷۶: ۲۶۲) در آثار مکتوب استاد مطهری آمده است که در سایه حکومت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام گسترش بهداشت، پیدایش آرامش روانی، تغذیه و توزیع مناسب، عدالت اقتصادی و لقمه حلال رایج می‌شود. ایشان حدیثی را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل می‌کنند که افراد در جامعه مهدوی دارای عمر بسیار طولانی هستند به طوری که در برخی روایات هزار سال ذکر شده است و شخص هزار فرزند و نوه خود را می‌بیند (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۷؛ مطهری، ۱۳۹۴: ج ۹، ۳۸۰) و نیرویی برابر چهل مرد داشته و قلب ایشان مانند آهن محکم خواهد بود. (النعمانی، ۳۱۰، ج ۵) یکی از عوامل مؤثر در رونق اقتصادی، بحث کشاورزی، گردشگری و تجارت است که همه این موارد به نوعی به آب وابسته است. نزول باران و برکات الهی در عصر امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، آن چنان پی در پی و به اندازه بر زمین نیازمند می‌بارد که بیشترین سرسبزی را در روی زمین ایجاد می‌کند؛ لذا روایت است که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خداوند، باران را از آسمان همواره بر آن‌ها بفرستد، و از زمین چیزی از گیاه نماند، مگر این که سبز شود. (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۳۸۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۷۳)

وضعیت بهداشت و سلامتی مردم طوری خواهد بود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هنگامی که عیسی عَلَيْهِ السَّلَام از آسمان فرود آمد و دجال را کشت... تا چهل سال، زندگی پربار و آسوده‌ای خواهید داشت و در این مدت، نه کسی می‌میرد و نه بیمار می‌شود. (ابن طاووس، ۱۴۳۵: ۹۷؛ الحموی، ۱۹۹۵: ج ۵، ۱۵؛ ابن حماد، ۱۴۲۳: ۳۹۵)

از امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام درباره حکومت حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

هیچ نابینا، زمین‌گیر و دردمندی بر روی زمین نمی‌ماند، مگر آن که خداوند درد او را برطرف می‌سازد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۳، ۶۲؛ حلی، ۱۳۷۰: ج ۱، ۳۷؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ۸۴۹)

## انگیزه‌های اجتماعی

آن دسته از انگیزه‌هایی را شامل می‌شوند که با محرکات اجتماعی ارتباط بیشتری می‌یابند و زمانی معنی پیدا می‌کنند که فرد و رفتارهای او را درون اجتماعی که در آن زندگی می‌کند مورد

بررسی قرار دهیم. از جمله این انگیزه‌ها انگیزه پیوندجویی، انگیزه قدرت، انگیزه مقام جویی و موفقیت را می‌توان نام برد. انگیزه‌های اجتماعی با اوضاع اجتماعی و فرهنگی فرد، ارتباط تنگاتنگ دارند و عمدتاً در طی روابط اجتماعی فرد، داد و ستدها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند و وقایع آن شکل می‌گیرد. هرچند بحث عمده انگیزش اجتماعی با مبحث بعدی (فرهنگ‌سازی) پیوند نزدیک دارد، اما به برخی انگیزش‌های اجتماعی اشاره می‌شود.

### انگیزه پیوندجویی

این مطلب بدیهی است که مرزهای سیاسی کنونی که ساخته دست سیاست‌مداران و گاهی ظالمان و کشورگشایان بوده بی‌معنا است و مردم دنیا مانند برادر دینی و اهل یک کشور، در همه جا کرامت و ارزش داشته و بیگانه و غیر بومی محسوب نشوند. در عصر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه برای کلیه انسان‌ها این توانایی وجود دارد که با هر نقطه جهان در مدت زمان کوتاهی، ارتباط برقرار ساخته، مسافت‌های طولانی را در زمان کوتاهی، طی کنند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

مؤمن در زمان قائم عجل الله تعالی فرجه الیه در حالی که در مشرق است، برادر خود را در مغرب می‌بیند؛ هم‌چنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می‌بیند! (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲، ۳۳۶)

بنابراین امکان ارتباط با حضرت و دیدن ایشان هم بسیار سهل و آسان است. در هنگام ظهور آن حضرت، تنها یک چشم او را نمی‌بیند، بلکه در آن واحد، همگان هم‌زمان آن حضرت را خواهند دید. در حدیث آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می‌کند که میان آنها و قائم (رهبر) نامه‌رسان نخواهد بود؛ با آنها سخن می‌گویند و سخنش را می‌شنود، و او را می‌بینند در حالی که او در مکان خویش است و آنها در نقاط دیگر جهان هستند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶)

پیداست در یک جامعه پیشرفته و مترقی، که نه مشکل اقتصادی و نه مشکل امنیتی و نه مشکل تبعیض و بی‌عدالتی وجود داشته باشد؛ و از طرف دیگر، علم و آگاهی و کمالات انسانی به اوج خود در طول تاریخ بشریت برسد؛ به طوری که هیچ‌گونه حرص و آزی در میان نباشد، افراد به یک قناعت نفس‌والایی رسیده باشند تا سبب درگیری و اختلاف مردم نشود؛ در این

جامعه با این خصوصیات، همگی برادر و یاری گر هم‌دیگر بوده و هر یک دیگری را بر خود مقدم می‌دارند. در آن جامعه، برادری مردم و مؤمنین نسبت به هم، کاملاً رعایت می‌شود و اموری (مثل سود نگرفتن در معاملات، اجازه برداشت از اموال شخصی یکدیگر مثل دست در جیب دوست و برادر کردن و...) که الآن به عنوان یک امور ایده‌آل و خیالی حساب می‌شود و به آنها به عنوان یک مستحب توصیه شده است، در آن عصر در حدّ واجب خواهد بود و کاملاً محقق می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۵، ۱۸۵) نعیم بن حماد از رسول خدا ﷺ در این باره چنین نقل کرده است:

... در آن روزگار، کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل‌ها زدوده خواهد شد. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۲۶۲)

### انگیزه قدرت

یاران امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف دارای ویژگی‌هایی هستند. یکی از این ویژگی‌ها، قدرت آنها است که در روایاتی بدان تصریح شده است. امام سجاد علیه السلام فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند بیماری را از شیعیان ما برطرف می‌سازد، و دل‌های آنان را هم‌چون پاره‌های آهن می‌کند، و برای هر مردی از آنها نیروی چهل مرد می‌دهد، و آنها فرمان‌روایان و سران زمین خواهند بود. (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۴۱)

در روایت دیگری آمده است که امام علی علیه السلام بر فراز منبر فرمود:

مردی از فرزندانم در آخرالزمان ظهور می‌کند... و مؤمنی نیست مگر این که دل او چون پاره‌های آهن شده و خدا توانایی چهل مرد به او می‌دهد... (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۳).

روشن است که در آن عصر به خاطر ایمان آوردن به حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف فوج فوج به تعداد شیعیان اضافه می‌گردد و در واقع همه آنها از چنین قدرتی بهره‌مند می‌گردند.

### انگیزه موفقیت

افراد از لحاظ میزان علاقه‌مندی آنها در رسیدن به موفقیت با یکدیگر تفاوت دارند. برخی از آنها از موفقیت بیشتری برخوردار هستند؛ به طوری که این انگیزه سطح هوشی و پیشرفت‌های اجتماعی فرد را نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد. در میان افرادی که سطح هوشی یکسان و شرایط و امکانات یکسانی دارند، افرادی که انگیزه موفقیت بالاتری دارند به موفقیت‌های



بیشتری نائل می‌شوند. حتی دیده می‌شود، داشتن انگیزه موفقیت بالاتر، موجب پیشرفت بیشتری در فردی شده است که سطح هوشی او پایین‌تر از کسی بوده که سطح هوشی بالا، ولی انگیزه موفقیت پایین‌تری داشته است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در باب علم و دانش در عصر ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

علم و دانش بیست و هفت حرف است، تمام آن چه را که پیامبران الهی آورده‌اند، دو حرف بیشتر نبوده است و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند، اما هنگامی که قائم بیاید بیست و پنج حرف دیگر را آشکار می‌سازد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۶)

هم‌چنین در حدیثی از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام چنین آمده است:

در زمان آن حضرت، حکمت و دانش داده می‌شود، تا جایی که زن در خانه خود به وسیله کتاب خدا و سنت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به قضاوت و داوری می‌نشیند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۲)

یعنی سطح آگاهی و علم مردم، حتی زنان بسیار بالا می‌رود. در این باب از قول امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده:

هنگامی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ظهور کند دست خود را بر سر همه بندگان می‌کشد. (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ۲۵)

حاصل آن که برای ایجاد و حفظ انگیزه، دسترسی به امکانات طبیعی و بهره‌مندی از توانایی‌های انسانی، عامل موثری برای موفقیت است که همه این امکانات در عصر ظهور برای بشر فراهم می‌شود.

### انگیزه‌های روحی

از ویژگی‌های مهم انقلاب امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، برآورده کردن انگیزه‌های روحی معنوی مردم جهان است به ویژه رویکرد مردم جهان به خصوص مسیحیان و یهودیان به اسلام دگرگون می‌شود. (القندوزی، ج ۱، ۴۲۲) زدودن ناخالصی‌ها و خرافات از چهره اسلام و ارائه کامل اسلام ناب از عوامل انگیزش مردم به دین اسلام خواهد بود. حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در حکومت خویش چنان به دین عمل می‌کند و مردم را به آن فرا می‌خواند که گویا دین تازه‌ای آورده است. (النعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۵) امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام در تفسیر آیه «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» می‌فرماید:

مراد زنده کردن زمین با قطرات باران نیست، بلکه خداوند مردانی را برمی‌انگیزد، پس

عدالت را زنده می‌نمایند، بنابراین زنده شدن زمین با عدل و برپایی آن، تحقق می‌پذیرد که از قطرات بارانی که چهل روز پیاپی بیبارد مفیدتر است. (الکلبینی، ج ۷، ۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۲۸، ۱۲)

اقتصاد جهان در این انقلاب دگرگون می‌شود، فقر از جهان برچیده می‌شود، خواسته‌های انسان بیشتر فرامادی شده و نیازهای او تغییر ماهیت می‌دهد. انسان از ثروت‌اندوزی دل می‌کند، از این رو همه مردم به سطحی از زندگی که معاش خود را تحصیل کنند، خواهند رسید. یکی از علل فقر، انحصار ثروت در دست عده خاصی است؛ چنان‌که امروزه ۸۲ درصد ثروت جهان در دست اقلیت است. (<https://www.oxfam.org>) این نظام اقتصادی در عصر مهدوی فرو می‌پاشد و نظام عدالت‌محور جایگزین می‌شود و مردم با امنیت خاطر به نیاز خود می‌رسند و به آن قانع می‌شوند. چنان‌که امام صادق ع فرمود:

حضرت مهدی ع همان کاری را که رسول خدا ص انجام دادند، انجام می‌دهد. بدعت‌های موجود را از بین می‌برد، چنان‌که رسول خدا ص اساس جاهلیت را منهدم نمودند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۲)

در جامعه مهدوی زمین آباد می‌شود و هیچ خرابه‌ای در آن یافت نمی‌شود و تمدن در اوج شکوفایی خود قرار می‌گیرد. انقلاب سیاسی و حکومت امام مهدی ع واژگون شدن تمام حکومت‌های ظالمانه را در پی خواهد داشت.

حاصل آن‌که هر یک از انسان‌های کره زمین خالی از غرض و انگیزه نیستند، مگر آن‌که حضرت ولی عصر ع نیاز او را به بهترین وجه برطرف می‌نماید، و انگیزه وی را نسبت به دین و آئین خویش سوق می‌دهد؛ چنان‌که امام صادق ع در روایتی فرمود:

يُدُلُّ لَهُ كُلُّ صَعْبٍ؛

همه مشکلات در برابر امام قائم تسلیم و رام گردد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۳۸)

برای هر رهبری در قلمرو حکومتش آگاهی از مسئله انگیزش شهروندان که در واقع پی‌جویی علت و سبب حرکت و رفتارهای اعضا و افراد در جامعه است، ضرورت تام دارد. کنکاش در مسئله انگیزش پاسخ چراهای رفتار آدمی است؛ رهبر و زعیم یک مملکت با احاطه به نحوه انگیزش افراد و انگیزه‌های آنان می‌توانند در تحقق اهداف جامعه به کمک کارکنان به سهولت گام بردارند و در انجام سایر وظایف خود نیز موفق باشند. هرچه شهروندان از موقعیت اجتماعی خود و جنبه‌های موثر بر آن رضایت بیشتری داشته باشند به همان اندازه در

پیشبرد اهداف کشور تلاش بیشتری از خود بروز می‌دهند.

### نقش فرهنگ در اصلاح رفتار اجتماعی

یکی از مفاهیم مهم و اساسی در مدیریت منابع انسانی، بحث انگیزه و ایجاد انگیزش در کارکنان یک سازمان است. این بحث در مورد کنش‌گران به عنوان اعضای تشکیل دهنده اجتماع، که مهم‌ترین منبع اجتماعی محسوب می‌شوند از پیچیدگی و ابهام افزون‌تری برخوردار است. نظر به این‌که در جوامع رسیدن به رفتار مطلوب با اصلاح گسترده رفتار اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند. اولاً: بحث فرهنگ سازمانی مطلوب مطرح است؛ ثانیاً: اعمال شیوه‌های مطلوب و متناسب با ظرفیت انسان‌ها بستگی دارد؛ ثالثاً: شناخت توانایی‌های گسترده بشر تنها در اختیار امام معصوم است و تنها او می‌تواند با علم گسترده خویش و با توجه به ظرفیت انسان دست به اصلاح رفتار عالم بزند.

از جهت اصلاح و تغییر رفتار اجتماعی و تحکیم پیوند در میان مردم در هر اجتماعی، مفروضات و پس از آن ارزش‌ها، بهترین عامل پیوند می‌باشند و سرمایه اجتماعی عظیمی را شکل می‌دهند. به باور جامعه‌شناسان هویت اجتماعی در احساس مشترک افراد و اقوام با یکدیگر دارای اهمیت ویژه‌ای است «و شیوه‌هایی است که به واسطه آنها افراد و جماعات در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعات دیگر متمایز می‌شوند و حاصل آن برقراری روابط و پیوندهای هویتی و متمایز ساختن نظام مند شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است» (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲) «و احساس هویت مشترک نیز موجب انسجام و همبستگی اجتماعی می‌شود. از همین طریق است که پیوند میان افراد و اعضای جامعه تقویت و تشدید می‌گردد» (فصیحی، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۹) با گسترش و حاکمیت فرهنگ اسلام در عصر ظهور و در حکومت جهانی، بُعد مناسکی و رفتاری فرهنگ نیز گسترش خواهد یافت و مردم به سوی آئین‌ها و مناسک فرهنگ دینی بیشتر روی خواهند آورد. بر این اساس قادر است الگویی از مفروضات، ارزش‌ها و رفتارهای انسانی و فطری برآمده از معرفت توحیدی را به جامعه عرضه کند و از این راه نظام فرهنگی جوامع را دگرگون سازد و به سمت مفروضات و ارزش‌های الهی سوق دهد. تکیه بر این نظام فرهنگی و پایبندی به آن، اعتماد در بین مردم را ریشه‌دارتر و عمیق‌تر می‌کند؛ زیرا در چنین نظامی با رعایت فرهنگ عدالت اجتماعی، اعتماد عمومی افزایش می‌یابد و با وجود اعتماد عمومی ضریب فرهنگ امنیت اجتماعی نیز بالا می‌رود.

بنابراین تغییر رفتار اجتماعی افراد جامعه تنها با فرهنگ‌سازی میسر است. فرهنگ، کلیتی

فردی و اجتماعی مربوط به يك جامعه است که شامل عقاید، آداب، عادات، اخلاق، هنر، حقوق، ارزش‌ها، الگوها و نمادها بوده و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با پدید آوردن ارزش‌های مشترك اجتماعی، کنش‌های فردی و اجتماعی را انسجام و استحکام می‌بخشد. با حضور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نهادینه کردن فرهنگ عمومی عدالت و امنیت در میان خرده فرهنگ‌های (سیاست، اقتصاد و مذهب) کلیه رفتارهای اجتماعی نه یک کشور و ملیت را بلکه کلیه سرزمین‌های اسلامی و غیراسلامی را اصلاح می‌کند. فرهنگ به معنای مجموعه بینش‌ها و ارزش‌ها و کنش‌ها در عصر حضرت گسترش قابل ملاحظه‌ای خواهد یافت. با ظهور حضرت همان‌طور که ظلم و ستم جای خود را به عدل و داد می‌دهد، جهل و نابخردی و نادانی هم جای خود را به علم و عقل خواهد داد و جهان از نور عقل و علم آکنده می‌گردد. امام باقر ع فرمودند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان می‌نهد، عقل‌های ایشان را با آن جمع می‌کند و خرده‌هایشان با او کامل می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۴۴)

توان‌مندی نظام اجتماعی در تغییر و اصلاح رفتار افراد از دغدغه‌های مهمی است که همواره مورد توجه نظام‌های سیاسی و حکومتی است. عوامل مختلفی می‌توانند در بقا و تداوم، پویایی و توانمندسازی نظام اجتماعی نقش داشته باشند. یکی از دستاوردهای مهم حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کارکرد آن در تغییر رفتار اجتماعی است. مهم‌ترین دست‌آورد اجتماعی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می‌توان در موارد ذیل دسته‌بندی نمود:

۱. انسجام و همبستگی اجتماعی؛

۲. امنیت اجتماعی؛

۳. نظم اجتماعی؛

۴. قدرت اجتماعی؛

۵. هویت اجتماعی.

مهم‌ترین یافته این تحقیق تبیین دستاوردهای اجتماعی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حوزه‌های مختلف انسجام و همبستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی، با نهادینه کردن فرهنگ عدالت و امنیت در جامعه است؛ زیرا در حکومت جهانی تحکیم باورهای دینی موجب تقویت ایمان در مردم می‌شود و با وجود ایمان امنیت فراگیر به وجود خواهد آمد؛ علاوه بر آن ارزش‌های نفسانی و اخلاقی مشترک که از نظام اعتقادی مشترک

نشأت می‌گیرد، تولید و بازخوانی خواهند شد و موجب انسجام اجتماعی می‌گردد.

### فرهنگ عدالت

اگر عدالت از مقدمات زندگی انسانی است که بدون آن معنای زندگی درک نمی‌شود و جامعه نیز جز با اجرای عدالت قوام و استحکام نمی‌یابد، طبیعی است که عدالت به مفهوم واقعی آن، بایستی تمام انسان‌ها از هر قوم و قبیله‌ای را در برگیرد و امتیازخواهی برای عده‌ای خاص صرفاً در منطقه‌ای محدود معنا ندارد. اجرای عدالت در عرصه جهانی از آرمان‌های حکومت مهدوی است و دستاورد بزرگ عدالت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام این است که تمامی انسان‌ها از این حق بهره ببرند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در این زمینه می‌فرماید:

فقط برای حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام بوده است که تمام عالم را، عدالت را در تمام عالم گسترش بدهد. (امام خمینی، ج ۱۲، ۴۸۱)

فرهنگ اسلامی شامل مجموعه‌ای از باورهای دینی (اعتقادات)، ارزش‌ها (هنجارها و تعهدات) و رفتارهاست که همه برگرفته از آموزه‌های قرآنی بوده و به اشکال مختلف در رفتار فردی و اجتماعی افراد متجلی می‌شوند. آموزه‌های مهدوی بنای مستحکمی را برای پیش‌فرض‌ها و مفروضات اصلی به وجود آورده که براساس آن هنجارها و ارزش‌های مربوطه شکل گرفته و آن را در قالب رفتارها به منصفه ظهور می‌گذارد و این در حالی است که تغییر این پیش‌فرض‌ها تقریباً غیرممکن است. یکی از ویژگی‌های حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام عدالت است. عدالت عنصر گم‌شده‌ای است که همگان دنبال آن هستند. این فرهنگ گم‌شده در حکومت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام تحقق پیدا می‌کند. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

يَلَاءُ الْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجُورًا. (مقدسی، شافعی، ۱۴۲۸: ۳۶-۶۵؛ قندوزی، ۱۴۲۲: ج ۱، ۲۵۳؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ۱۷۵؛ ابن‌حماد، ۱۴۲۳: ج ۱، ۳۵۸؛ ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹: ج ۱۹۴۸۴؛ احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۱۸، ۲۰۵ و ۶۲؛ ابن‌ماجه، ۱۴۳۰: ج ۲۰۹، ۵؛ ابی‌داوود، ج ۶، ۳۳۹؛ ابن‌المنادی، ۱۴۱۸: ۱۸۴؛ گنجی، ۱۳۶۲: ۵۰۰، ۴۸۲، ۴۹۳)

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام حکومت را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌کند که دیگر واژه ستم از ذهن‌ها رخت برمی‌بندد و کسی به دیگری ظلم نمی‌کند.

با این تفسیر از عدالت، بشریت در زمان ظهور حضرت شاهد اجرای فرهنگ عدالت اجتماعی به طور کامل خواهند بود. گستره این فرهنگ شامل نیکوکاران و بدکاران می‌شود. در روایتی از حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام رسیده است:

... وقتی قائم ما قیام کند، او یکسان تقسیم می‌کند و میان آفریدگان خدای رحمان و نیک و بدشان عدالت می‌ورزد. (صدوق، ۱۴۱۶: ۱۶۱؛ هیتمی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۴۷۹؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۲۴۰؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: باب ۳، ۶۶-۶۷)

در عصر ظهور حضرت، ظلمی نخواهد بود. امام رضا علیه السلام فرمودند:  
... ترازوی عدل را میان مردم می‌نهد تا کسی به کسی ستم نکند. (صدوق، ۱۴۰۵: ۳۷۱)

امام عدالت را با محبت و مهرورزی به مردم آکنده ساخته و با شفقتی پدرا نه گستره عدالت اجتماعی را تا عمق خانه‌ها و جان‌های مردم می‌گستراند:  
بدانید به خدا سوگند! همان طور که سرما و گرما به خانه‌های مردم نفوذ می‌کند، عدالت او به درون خانه‌های شان راه می‌یابد. (نعمانی، ۱۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۶۱؛ حر عاملی، ج ۳، ۵۴۴)

در سایه این عدالت هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی نمی‌ماند، (مفید، ۱۴۱۳: ۲۰۸) حقوق به یغما رفته انسان‌ها به آنها بازمی‌گردد، (عیاشی، ۱۳۸۰: ج ۱، ۶۶) بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر و گردن انسان‌ها باز می‌شوند، (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۵۷) و مردم آرزو می‌کنند ای کاش مردگان شان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره‌مند می‌شدند. (الهیثمی، ج ۷، ۳۱۵)

در اثر گسترش عدالت، صفا و صمیمیت نیز به زندگی انسان‌ها باز می‌گردد، زیرا علت بسیاری از کینه‌ها و کدورت‌ها در جامعه، نبود عدالت میان افراد است. شاید روایتی پیدا نشود که درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف یا وصفی از اوصاف ایشان سخن گفته باشد، ولی به گسترش عدالت و رفع ظلم از زمین اشاره نکرده باشد. (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۱۷، ۳۲۱؛ حاکم نیشابوری، ج ۴، ۵۰۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۱۷۲) باید دانست که عدالت مهدوی تنها در بعد اجتماعی و اقتصادی نیست، بلکه عدالت در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، مادی، معنوی و... به اجرا در می‌آید که یکی از این موارد عدالت در امور اجتماعی جامعه انسانی است که در این بخش به سه بعد مهم آن (سیاسی، اقتصادی و دینی) می‌پردازیم.

### عدالت سیاسی

عدالت در همه ابعاد از جمله رفتارهای سیاسی، که یکی از آرمان‌ها، خواست‌ها و آرزوهای بشر است تنها در حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف برآورده می‌شود. عدل و قسط و مساوات

نماد اصلی حکومت آن حضرت خواهد شد. امام و زمام داران و کارگزاران او عادل و دادگر هستند و به کسی ظلم نمی‌کنند و حق کسی را پایمال نمی‌سازند. امام علی علیه السلام فرموده است:  
روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نمایند و کتاب خدا و سنت پیامبر را زنده می‌کند. (نهج البلاغه، خ ۱۳۸)

دولت امام بر رفع ظلم و ستم و حکومت عادلانه استوار است. امام صادق علیه السلام فرموده است:  
چون قیام کند، به عدالت داوری کند و در زمان او ستم ریشه کن شود و راه‌ها امن می‌گردد و زمین برکت‌های خود را ظاهر می‌کند و هر حقی به صاحب آن برمی‌گردد و پیرو هیچ آئینی باقی نمی‌ماند مگر این که به اسلام می‌گردد و به آن ایمان می‌آورد.  
(مفید، ج ۲، ۳۸۴)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم و حاکمان و کارگزاران منتخبش امور سیاسی جهان را در دست دارند و خود آن حضرت به طور مستقیم تمامی این امور را مدیریت و رهبری می‌کند. امام، حاکمان و کارگزاران را نصب و رهنمودها و دستورات عمل‌های سیاسی آنان را صادر می‌کند. در روایت آمده است:

مهدی اصحاب خود را به همه کشورها پراکنده می‌کند و به آنان دستور می‌دهد که به عدل و احسان رفتار کنند. (کامل سلیمان، ج ۲، ۶۵۰)

در حدیث دیگری آمده است:

[مهدی یاران خود را] فرمانروایان کشورهای جهان می‌گرداند و به آنان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند. (قندوزی، ج ۳، ۳۳۸، ج ۷۴۹۵؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۶۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ۲۶۸)

امام نه تنها به ابعاد ظاهر سیاست بلکه به اخلاق و معنویت نیز در رأس امور سیاسی عنایت خاص دارد و به آن اهمیت می‌دهد؛ چنان که در حدیثی آمده است:

چون سلطنت آنان به پایان رسد، خداوند با مردی از ما اهل بیت برامت محمد منت می‌نهد، به تقوا سفارش می‌دهند، از روی بصیرت و هدایت گام برمی‌دارد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۲۶۹)

ابن حماد از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

(مهدی) جهان را پراز عدل و داد می‌کند تا جایی که مردم را به فطرت اولی‌شان باز می‌گرداند، نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کند و نه خونی را (به ناحق می‌ریزد). (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۲۵۲، ج ۸۹۵)

از این رو مردم با افتخار هم به رهبری ایشان و هم مدیریت ایشان تن می‌دهند و فوج فوج به وی ملحق می‌شوند.

### عدالت اقتصادی

فرهنگ اقتصادی نیز از مفروضات، ارزش‌ها و رفتارهای متعدد انسان‌ها در برآوردن نیازهای اساسی و حیاتی‌شان شکل گرفته که براساس سطوح فرهنگ مهدوی مطرح شده است. فرهنگ اقتصادی مهدوی نیز در سه سطح بینش، منش و کنش قابل طرح و بررسی است:

مفروضات باورهایی است که آحاد جامعه مهدوی آن را امر پذیرفته شده‌ای می‌دانند. دلیل‌های انجام یک کار مربوط به ارزش‌ها خواهد بود و رفتارهای افراد نمایان‌گر آثار و مصنوعات فرهنگی است که براساس چنین پیش‌فرض‌ها و باورهایی شکل گرفته است. دکترین عدالت اقتصادی مهدوی با چهار شاخص رشد اقتصادی پایدار، کاهش مداوم نابرابری، حذف فقر، و مصرف به حد کفاف، شناسایی شده است. (جهانیان، ۱۳۸۳ش: ۱۴)

بی‌نیازی اقتصادی در دولت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تا بدان جاست که حرص به داشتن و گنجینه کردن و انبوه ساختن زدوده می‌شود «و چون مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ندا دهد که هر کس مالی می‌خواهد بیاید و برگیرد، جز یک نفر پیدا نشود و او نیز پشیمان گردد و مال برگرفته را باز گرداند» (ابن حنبل، ۱۴۲۱: ج ۱۷، ۴۲۷) احادیث درباره رفاه اقتصادی دوران ظهور بسیار است و شاید از جمله مسائلی باشد که بیشترین تأکید بر آن شده است. شاید بتوان گفت پس از اصل عدالت دومین موضوع مورد تأکید، عدالت اقتصادی است. این دو با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارند؛ زیرا که اجرای عدالت برای از میان بردن روابط ظالمانه و غاصبانه است، تا اقویا حق ضعیفان را نخورند و آنان را محروم نسازند. بنابراین، رفاه اقتصادی برای همه، با اجرای اصل عدالت اجتماعی و برپایی قسط قرآنی امکان‌پذیر است. حضرت با توزیع عادلانه بیت‌المال و درآمدها و نظارت دقیق به دستگاه‌های اجرایی و اقتصادی حکومت، زمینه لازم برای رفاه و آسایش همگانی را فراهم خواهند کرد؛ به گونه‌ای که ساکنان آسمان‌ها و زمین، از شرایط به وجود آمده، راضی و خشنود خواهند شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۹۱؛ عبدالرزاق، ۱۳۹۲: ج ۱۱، ۳۷۲؛ شافعی، ۱۴۱۰: ۱۱۸؛ صافی، ۱۳۸۰: ۴۷۲؛ القندوزی، ۱۴۱۶: ج ۳، ۳۴۳) بدیهی است که ایجاد فرهنگ عدالت اقتصادی نیازمند نهادینه شدن چند خرده فرهنگ اقتصادی دیگر است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود.



## فرهنگ ارتزاق

فرهنگ ارتزاق، ریشه در نظریه ارتزاق دارد که بر این اعتقاد است که ارتزاق در مقابل کار و فعالیت نیست، بلکه در مقابل شایستگی و استحقاق است و اصلاً محدودیت پرداخت ندارد. خود شخص صالح، اصلاً تقاضا ندارد ولی در مقابل، نظام باید این‌ها را به نحو نامحدود تأمین کند و چنین فردی نباید به فکر مسکن و نیازهای اولیه‌اش باشد؛ هر چند هر یک از سیستم‌های پاداش و جبران یک اثر و محرک از رفتارها و نگرش‌های کارکنان را نشان می‌دهد. (Rynes, Gerhart, & Minette, 2004 ; Sweins & Kalmi, 2008) البته نظریه ارتزاق در حال حاضر ناظر به نخبگان است و قائل است فردی که نخبه است اصلاً محدودیت پرداخت ندارد و به صورت موردی چنین پرداخت می‌شود؛ اما از جایی که در عصر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم عقل و علم در همه افراد به تکامل خویش می‌رسد همه افراد عصر حضرت نخبه تلقی می‌شوند و ارتزاق به صورت یک خرده فرهنگ درمی‌آید و همه انسان‌ها از این نوع پرداخت خشنود و راضی هستند. در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

... خداوند عزوجل مردی را از من و خاندان من، برمی‌انگیزد؛ که زمین را پراز عدل می‌کند آن‌گونه که پیش از او، پراز ظلم کرده‌اند و زمین قطعات کبد خود را برای او بیرون می‌فرستد، و ثروت را بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می‌کند و هرکس به قدر نیازش از آن بر می‌گیرد. (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۱۳؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۱۸۵)

یکی از دستاوردهای فرهنگ ارتزاق در نظام اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم جایگزین شدن اصالت جود به جای اصالت سود غربی است. روابط اقتصادی در عصر ظهور چنان است که در معاملات سودی گرفته نمی‌شود. علی بن سالم از پدرش نقل کرده است که گفت از امام صادق ع پرسیدم:

این روایت که سود گرفتن مؤمن از مؤمن رباست معنایش چیست؟ حضرت فرمود: این به هنگام ظهور حق و قیام قائم اهل بیت است، اما اکنون اگر کالایی بفروشد و سود بگیرد اشکالی ندارد. (صدوق، ۱۴۱۳: ۳، ۳۱۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۷، ۱۷۸)

با تشییع فرهنگ ارتزاق و تأمین نیازهای آینده به طور اطمینان بخش و فراوانی منابع درآمد، سبب می‌شود که حتی نیاز به شمارش اموال پیدا نشود و هر نیازمندی نیاز خود را از بیت المال حکومتش بدون تشریفات زائد بگیرد. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: در آن زمان امت من چنان از نعمت برخوردار می‌شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت

برخوردار نشده باشد. سرتاسر زمین محصول می‌دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد و اموال انبوه می‌شود. هرکس نزد حضرت آید و بگوید: به من مالی بده، او بی‌درنگ می‌گوید: بگیر. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۸؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰: ج ۵، ۲۱۱؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ۲۵۷)

از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

... مهدی علیه السلام همگان را بی‌نیاز می‌کند که در دولت او زمین همه استعدادهای خود را بروز می‌دهد و دارایی‌ها انبوه می‌شود. (النعمانی، ۲۳۸-۲۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۱)

### فرهنگ تقسیم

علاوه بر این که حضرت بیت‌المال را بین مردم به طور عادلانه تقسیم می‌نمایند. مردم نیز به خاطر رشد فکری و فرهنگی قابل توجه در عصر ظهور اموال‌شان را نیز در جهت خیر و برکت سوق می‌دهند. در سایه گستره تقسیم بیت‌المال کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز و غنی خواهند شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۱۱۳؛ احمد حنبل، ۱۴۲۱: ج ۱۷، ۴۲۷؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: باب ۸، ۲۲۰)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

در حکومت قیام‌کننده اهل بیت پیامبر قسط و عدل - به معنای عدم تبعیض در تقسیم بیت‌المال و رعایت حقوق مردم - به طور کامل اجرا خواهد شد. (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۵۱)

در آن عصر طلایی، با نهادینه شدن فرهنگ توزیع، امکانات اقتصادی به شیوه عادلانه توزیع و تقسیم می‌شود و از اجحاف و تعدی سودجویان تکاثرطلب جلوگیری می‌شود. در آن دوران، اقتصاد سالم و رفع کاستی‌ها و ناراستی‌ها از آن، در سایه اقدامات چندی صورت می‌گیرد؛ از جمله آن‌ها، برخورد جدی با مفسدان اقتصادی است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

هنگامی که قائم ما قیام کند، قطایع از بین می‌رود؛ به طوری که دیگر قطایعی نخواهد بود.

امام باقر علیه السلام فرمود:

إذا ظهر القائمُ ودخل الكوفة... ويُرَدُّ السَّوَادُ إِلَى أَهْلِهِ (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۹۰):  
چون قائم قیام کند و وارد کوفه شود... زمین‌های مصادره شده را به صاحبانش

باز می‌گرداند.

یکی از کارکردهای اساسی دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف تقسیم مساوی منابع و درآمدها و ایجاد عدالت اقتصادی و قسط است:

مِلْأُ الْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا. (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۵۷؛ ابن حنبل، ج ۱۸، ۶۱؛ ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۸۴؛ گنجی، ۱۳۶۲: ۵۰۵؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۲۱۹؛ قندوزی، ۱۴۲۲: ۱۷۲)

واژه قسط، بیشتر در امر اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می‌رود:

چون مهدی ما اهل بیت قیام کند، مال را به‌طور مساوی تقسیم می‌کند و عدالت را در میان رعیت اجرا می‌نماید. (مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۴۰)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

به مهدی بشارت‌تان می‌دهم. او به هنگام اختلاف مردمان، از میان امت من ظهور خواهد کرد و ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنود خواهند شد. او مال را درست درست تقسیم می‌کند، مردی پرسید: درست درست چیست؟ فرمود: میان همه به صورت مساوی. (فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۴، ۳۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۱، ۸۸؛ هیثمی، ۱۴۲۱: ج ۴، ۲۴۳؛ سیوطی، بی‌تا: ج ۷، ۴۷۳؛ ابن خراط، ۱۴۲۲: ج ۴، ۵۳۲؛ صنعانی، ۱۳۹۲: ج ۱۱، ۲۰۷۷)

در حدیث دیگری چنین می‌خوانیم:

مهدی میان مردم، در تقسیم اموال، به مساوات رفتار می‌کند؛ به طوری که دیگر نیازمند و محتاجی یافت نمی‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۹۰؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: باب ۸، ۲۲۰)

## فرهنگ عمران

فراگیر شدن عمران در کل کره زمین در حکم نبض اقتصاد زمین است. از این رو موفقیت در عمران و آبادانی عصر ظهور بازتابی از کارایی و اثربخشی شیوه‌های مدیریت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به شمار می‌رود. در خصوص فرهنگ عمران در عصر ظهور، نقش امدادهای الهی نیز تأثیر به‌سزایی دارد که به دو موضوع در روایات تصریح شده است:

### ۱. نزول باران و برکات الهی

از جمله امدادهای الهی که در عصر طلایی ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشريف و دوران حکومت

مهدوی صورت می‌پذیرد، نزول باران‌های مفید و ثمربخش است. نظر به این که یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی و اصلی حیات و زندگی، آب است که عامل مهمی برای پیشرفت اقتصادی - به ویژه کشاورزی - است، این ویژگی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه از اهمیت بسیاری برخوردار است. حاکم نیشابوری در *مستدرک*، حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

... زمین تمام بذره‌های خود را بیرون می‌فرستد و بارور می‌شود، و آسمان تمام دانه‌های باران را بر آن‌ها فرو می‌بارد، و همه جا را سیراب و پر برکت می‌کند.

حاکم بعد از ذکر حدیث می‌گوید:

این حدیث، صحیح است هر چند بخاری و مسلم آن را در کتاب خود نیاورده‌اند. (حاکم، ۱۴۰۶: ج ۴، ۴۶۵؛ ابن حماد، ۲۵۲؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۹۲)

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

وقتی که زمان قیام قائم نزدیک شود، بر مردم باران فرو خواهد ریخت، در ماه جمادی الثانی و ده روز رجب؛ بارانی که مانندش دیده نشده است. (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۶۳)

نزول باران و برکات الهی در آن عصر، آن‌چنان پی در پی و به اندازه بر زمین نیازمند می‌بارد که بیشترین سرسبزی را در روی زمین ایجاد می‌کند؛ لذا روایت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

خداوند، باران را از آسمان همواره بر آن‌ها بفرستد، و از زمین چیزی از گیاه نماند، مگر این که سبز شود. (اربلی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۳۸۲؛ ابن حماد، ۱۴۲۳: ۲۵۳؛ ابن منادی، ۱۴۱۸: ۱۸۶)

## ۲. برکات استثنایی زمین

در عصر ظهور بر اثر ایمان و تقوا، برکات الهی از زمین و آسمان بر آنان وارد می‌شود؛ به گونه‌ای که از هر درخت، هر نوع میوه‌ای که خدا اراده کند چیده می‌شود. هم چنین میوه‌ها - بر اثر یکسان شدن هوا در همه فصل‌ها - مخصوص یک فصل نیست؛ میوه تابستان در زمستان هم بر درختان وجود دارد و میوه زمستان در تابستان نیز بر درختان هست. (حلی، ۱۴۲۱: ۱۷۰؛ عاملی، ۱۳۶۲: ۳۵۴) مسئله برکت، حقیقت بزرگی است که جهان در عصر ظهور بر اثر وجود آن، گشایش و فراوانی، سراسر گیتی را فرا می‌گیرد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود:

آب‌ها در دولت او - حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه - فراوان می‌شود، و زمین برکات خویش را چند برابر می‌کند. (مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۲۰۰)

در حدیثی دیگر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

... خداوند برای قائم گنج‌ها و معادن زمین را آشکار می‌سازد... (طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۱۳؛ ابن‌حماد، ۱۴۲۳: ۲۵۱؛ ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ج ۷، ح ۱۹۴۸۴؛ اربلی، ۱۳۸۱: ج ۳، ۲۶۳، ح ۲۹؛ مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۶۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ۲۶۸).

هم چنین امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود:

و تظهر له الكنوز...؛

... برای قائم ما گنج‌ها آشکار می‌گردد... (شیخ صدوق، ج ۱، ۳۳۱).

ایشان هم چنین فرمود:

... در زمین جای ناآبادی باقی نمی‌ماند... (شیخ صدوق، ج ۱، ۳۳۱؛ القندوزی، ج ۳، ۳۳۸).

در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام چنین می‌خوانیم:

هنگامی که قائم ما قیام کند... زمین - با تدبیر امام و تلاش صادقانه مردم - گنج‌ها و ذخایر گران بهای خود را آشکار می‌کند؛ آن چنان که مردم آن را با چشم خود می‌بینند... (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۵۲، ۳۳۷).

در حدیثی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام راجع به عصر ظهور می‌خوانیم:

انسان در عصر حاکمیت جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ لِلْعَرَبِ، هر آن چه از انواع دانه‌های زراعی بر زمین بیفشاند، هفتصد برابر، برداشت می‌کند؛ همان‌گونه که خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «مثل آنان که مال‌شان را در راه خدا انفاق کنند، به مانند دانه‌ای است که از یک دانه، هفت خوشه برآید و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، و خداوند برای هر کس که بخواهد، می‌افزاید» (مقدسی شافعی، ۱۴۱۰: ۲۱۱).

## عدالت دینی

مسلم است که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی، نقش به‌سزایی در تکامل و پیشرفت انسان و جامعه انسانی دارد، و بسیاری از مشکلات سرراه تکامل را رفع می‌کند. در عصر انقلاب جهانی مهدی موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَجْهَهُ لِلْعَرَبِ یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه‌هاست. در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

دانش، ۲۷ حرف - شعبه و شاخه - است. تمام آن چه پیامبران الهی برای مردم آورده‌اند، دو حرف بیش نبوده است و مردم تاکنون جز آن دو حرف را نشناخته‌اند؛ ولی هنگامی که قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را آشکار می‌کند و در میان مردم

منتشر می‌سازد و دو حرف دیگر را به آن پیوند می‌دهد، تا ۲۷ حرف کامل و منتشر شود (حلی، ۱۴۲۱: ۳۲۰).

امام باقر علیه السلام نیز رشد عقلی بندگان خدا را - که با تصرف تکوینی، در عصر ظهور به وقوع می‌پیوندد - مورد توجه قرار می‌دهد و می‌فرماید:

وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند دستش را بر سر بندگان قرار می‌دهد و به وسیله آن، عقول ایشان جمع شده، افکارشان با آن تکمیل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۵ق: ج ۱، ۲۵؛ حرّ عاملی، ۱۳۶۶: ج ۶، ۳۶۷).

در جامعه مهدوی، حکمت و عقل عملی بشر بر اثر تقوا به تکامل می‌رسد و مردم به آن روشن بینی خاص قرآنی می‌رسند. امام باقر علیه السلام در روایت ابو خالد کابلی می‌فرماید:

هنگامی که قائم ظهور کند، شعاع نورانیت و هدایتش همه بندگان خدا را فرا می‌گیرد و عقول مردم متمرکز و اخلاق شان به واسطه آن امام بزرگوار، کامل می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۳۳۶).

در جامعه مهدوی، صفات رذیله از جامعه رخت برمی‌بندد و زمینه گناه و جرایم اجتماعی، اقتصادی و... از بین می‌رود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در عصر حضرت مهدی علیه السلام، خداوند وحدت کلمه پدید می‌آورد و قلوب ناسازگار را با یکدیگر الفت می‌بخشد، و معصیت او در روی زمین، صورت نپذیرد (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۱۲۷).

نعیم بن حماد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره چنین نقل کرده است:

... در آن روزگار، کینه‌ها و دشمنی‌ها از دل‌ها زدوده خواهد شد. (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۲۶۲)

### فرهنگ امنیت

فرهنگ در نظام مهدوی به عنوان زیر بنا، نقش روح را در مقابل جسم و پیکره جامعه بازی می‌کند. لذا در تأمین امنیت تمامی ارکان و قوای جامعه دخیل بوده و انسجام بخش سایر قواست. در حکومت امام مهدی علیه السلام نهاد امامت و سیصد و سیزده تن از اصحاب وی در راستای غنا و استحکام فرهنگ جوامع (نهادهای فرهنگ متعالی اسلام) گام‌های اساسی برمی‌دارند (صدوق، ج ۲، ۶۷۳؛ مقدسی، شافعی، ۱۴۱۰: ۹۱) تا پیامد این امر امنیت جامعه در عرصه‌های مختلف تأمین گردد. تحقق فرهنگ امنیت، زیر ساخت اساسی پیشرفت در

عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و... است. قرآن کریم اولین ویژگی یک جامعه مطلوب را «امنیت» می‌داند:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (نحل: ۱۱۲)؛

و خداوند مثلی زده است. منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هرجا می‌رسید.

در این آیه شریفه سه ویژگی برای یک جامعه مطلوب ذکر شده است: امنیت، آرامش، اقتصاد آباد. تا امنیت نباشد کسی آرامش ندارد و تا این دو نباشند، کسی علاقه‌مند به تولید و سرو سامان دادن به وضع اقتصادی نمی‌شود. بنابراین، «امنیت» زیربنای یک جامعه آباد است، «امنیت» ابعاد گوناگونی اعم از امنیت جانی، مالی، آبرویی، اخلاقی، حقوقی، امنیت اجتماعی و خانوادگی... دارد. در روایتی در تفسیر این آیه شریفه آمده است:

خداوند به کسانی از شما که ایمان می‌آورند و کارهای شایسته انجام می‌دهند وعده داده است که آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد. (نور: ۵۵) آیه ﴿كَرَّوْا فِي الْقَائِمِ وَ اصْحَابِهِ﴾ در مورد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ اَصْحَابِ اَوْسْتِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۰).

امنیت و آرامش از نعمت‌های بزرگ الهی، و بستری برای تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی و رشد اقتصادی است. کرامت‌ها و استعداد‌های انسان در جامعه‌ای که امنیت ندارد و مضطرب است، شکوفا و بالنده نخواهد شد؛ لذا در حکومت و جامعه مهدوی که باید الگویی برای همه حکومت‌های اسلامی باشد، فرهنگ امنیت حاکم است، و کوچک‌ترین ناامنی‌ای به چشم نمی‌خورد.

حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند:

حتی حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. در آن روزگار، اگر زنی فاصله میان عراق و شام را طی نماید و با خود طلا و نقره حمل کند، با امنیت از روی سبزه‌ها عبور خواهد کرد و از هیچ موجودی نمی‌هراسد (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۶۲۶؛ ابن حماد، ۱۴۲۳: ۲۵۰؛ مقدسی شافعی، ۱۴۲۸: ۲۰۲).

از روایات استفاده می‌شود که این امنیت، امنیتی بی‌بدیل است که تا آن روز بشریت شاهد آن نبوده است تا جایی که درندگان در کنار چهارپایان زیست مسالمت‌آمیز دارند. ابن حماد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کرده است:

... (مهدی) جهان را پراز عدل و داد می‌کند تا جایی که مردم را به فطرت اولی شان

باز می‌گرداند، نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کند و نه خونی را (به ناحق) می‌ریزد (ابن حماد، ۱۴۲۳: ۲۵۲؛ سیوطی، بی تا: ۱۴۹).

هم چنین از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

عیسی بن مریم به میان شما خواهد آمد و صلیب را می‌شکند... مردم را به اسلام دعوت می‌کند... و امنیت بر ساکنان زمین گسترده می‌شود... (متقی هندی، ۱۴۰۴: ج ۱۴، ۳۳۶).

### رضایت مندی

منابع انسانی و براساس روایات اسلامی معادن انسانی (ابن خراط، ۱۴۲۲: ج ۴، ۴۹۲؛ مجلسی، ج ۵۸، ۶۵)، رکن اصلی و بنیانی تشکیل دهنده هر جامعه‌ای است که با تربیت و هدایت صحیح آن، می‌توان جامعه‌ای مطلوب و آرمانی را شکل داد. جهت دست یافتن به این مهم، وجود مدیریتی توانا و آگاه نسبت به مدیریت و مسائل روز جهان از اهمیت به سزایی برخوردار است. یکی از راه‌کارهای مناسب در راه رسیدن به اهداف مطلوب اجتماعی، نهادینه کردن فرهنگ مطلوب در جامعه و ایجاد انگیزش روانی در افراد آن است. اگر علل عدم رضایت مردم نسبت به کار، تلاش و... مشخص گردد، می‌توان به منظور بهبود و ارتقاء شرایط و نیز جلب رضایت بیشتر آنها تلاش‌های اساسی تری انجام داد؛ چرا که وقتی انسان از موقعیت خویش احساس خشنودی و رضایت مندی نماید. ناخود آگاه مسئولیت خویش را با دقت فزون تری به انجام رسانده و از آن خرسند خواهد شد. در سوره نور، آیه ۵۵، سه رکن اساسی ذکر شده است:

وَعَدَّةٌ دِهْنَةٌ كَهْ دَر اَیْنِ جَا خَدَاوَنْد مَتَعَالِ اسْتِ وَ وَعَدَّةٌ گَیْرَنْدَهْ كَهْ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾ یعنی مؤمنان صالح هستند؛ و موادّ مورد وعده که امور سه‌گانه زیر است:

۱. حکومت روی زمین به عنوان نمایندگی خدا؛ یعنی حکومت حق و عدالت؛
۲. نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی؛
۳. تبدیل خوف به امنیت؛ و برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی، و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین.

خداوند متعال در آیات پایانی سوره بینه (۷-۸) ملاک رضایت خودش را ایمان و عمل صالح بیان نموده است. وقتی بندگان الهی رضایت او را جلب کنند. در مقابل خداوند متعال نیز رضایت بندگان را نیز فراهم می‌کند. مورد وعده الهی برای رضایت مندی عباد سه مؤلفه است:





۱. استخلاف فی الارض؛ واژه استخلاف در قرآن از نظر گستره به دو قسم تقسیم می‌شود: استخلاف به معنای عام و استخلاف به معنای خاص. از آن جا که در این نوشتار، محور بحث، درباره مهدویت و مسائل پیرامونی آن است، استخلاف به معنای خاص آن مراد است که در منظومه مهدویت دارای نقش و جایگاه اساسی بوده و به مثابه یک بحث کانونی با مهدویت و مباحث آن مرتبط شده و اندیشه مهدویت با آن تکامل پیدا می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۳، ۴۹) در واقع معنای خاص استخلاف، همان اتحاد خلافت و امامت در رهبری عصر ظهور است. از آن جا که این نوع اتحاد در قبل از ظهور به معنای تام کلمه اش شکل نگرفته است، آن جامعه آرمانی و مدینه فاضله نیز تحقق پیدا نکرده است؛

۲. منظور از «تمکین دین» نهادینه شدن دین است. همان طور که از سایر موارد استعمال کلمه تمکین برمی آید مراد این است که تعلیمات الهی به طور ریشه دار و پا بر جا در تمام شئون زندگی نفوذ خواهد کرد؛

۳. منظور از «تبدیل خوف به امنیت» از منظر علامه طباطبائی رحمته الله علیه این است که امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌های شان بی‌می‌نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ج ۱۵، ۱۴۹) بدین گونه، خداوند به مؤمنان که کارهای صالح و شایسته انجام می‌دهند و به یاری خداوند، حکومت جهانی عدل محور را پدید خواهند آورد؛ نوید امنیت و آرامش و از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت را داده است. از این رو مردم، به خاطر فرهنگ امنیت و عدالتی که امام شان فراهم نموده است، به ایشان عشق می‌ورزند و دل‌های آنان از محبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف لبریز است. این شیدایی به حدی است که برای تبرک دست بر زین اسب امام می‌کشند و تبرک می‌جویند. (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵۲، ۳۰۸) حاصل آن که حضرت با گستره فرهنگ عدالت و ایجاد فرهنگ امنیت، رضایت‌مندی افراد را جلی می‌نماید و مطابق آیه شریفه نیز مردم هم با عمل صالح (عمل فردی و اجتماعی مرکب از حسن فعلی و فاعلی) رضایت حضرت را به دست می‌آورند. در بسیاری از روایت‌ها، سخن از رضایت ساکنان زمین و آسمان از حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به میان آمده است. (صنعانی، ۱۳۹۲: ج ۱، ۲۰۷۷) ابن ابی شیبه از رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین روایت آورده است:

يكون في أمتي المهدي... تعيش أمتي في زمانه عيشا لم تعشه قبل ذلك؛

مهدی در میان امت من خواهد بود... مردم به چنان نعمت و برخورداری وسعت یابند که در هیچ زمانی پیش از آن دست نیافته باشند (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹: ج ۷،

ابن ماجه نیز در حدیث دیگر، این وضعیت ایده‌آل را از پیامبر اکرم ﷺ چنین روایت می‌کند: مهدی در میان امت من خواهد بود، مردم در آن دوره به چنان نعمتی دست بیابند که در هیچ دوره‌ای چنین ندیده باشند. (ابن ماجه، ۱۴۳۰: ج ۵، ۲۱۱؛ اربلی، ج ۳، ۲۵۷)

### نتیجه‌گیری

از جمله عوامل موثر در اصلاح رفتار فردی، شناختن انگیزه‌های افراد جامعه است. در مدیریت رفتار افراد، محرک درونی (نیازها، خواسته‌ها، سائقه‌ها و...) برای بروز یک رفتار است و انگیزش به تحریک افراد به انجام کار برای رسیدن به هدف اطلاق می‌گردد. در واقع انگیزش زمانی حاصل می‌شود که افراد از رضایت‌مندی کامل برخوردار باشند. بنابراین انگیزش فرآیندی روان‌شناختی و چندوجهی است که رفتارهای افراد را به سمت هدف‌های بهینه هدایت می‌کند. ایجاد انگیزش با رعایت عدالت، امنیت و رضایت تحقق پیدا می‌کند. در واقع این رعایت عدالت و امنیت است که منتهی به رضایت‌مندی می‌شود. در اجتماعی که رضایت‌مندی کامل به وجود آید، افراد حاضر نیستند این موقعیت را از خویش سلب کنند، چرا که علم به این مسئله دارند در صورت تخطی از وظایف‌شان دوباره ناامنی و بی‌عدالتی اجتماع را در بر می‌گیرد. از مجموع آیات و روایات درخصوص عصر ظهور، به این باور می‌رسیم که با حاکمیت نظام مهدوی از یک سو با نهادینه کردن فرهنگ عدالت و امنیت و از سوی دیگر امدادهای الهی با نزول برکات آسمانی و فراوانی برکات زمین و نیز نظارت دقیق بر امور اقتصادی، معضل بزرگ فقر و محرومیت - که مؤثرترین عامل در بروز ناهنجاری اجتماعی به حساب می‌آید - از جامعه بشری برچیده خواهد شد و سایر رفتارهای ناشایست اجتماعی از قبیل دزدی، تجاوز، بی‌عفتی، رشوه و اختلاس که مولود نامیمون فقر و تهیدستی، و محصول سیستم‌های غلط مدیریتی و برخی نظام‌های ظالم و سرمایه‌داری است، از بین می‌رود. هم‌چنین با گسترش فرهنگ امنیت، ترس، نگرانی، اضطراب و ناامنی، جایش را به محیط صلح، صفا صمیمیت و امنیت خواهد داد. بنابراین اصلاح رفتار فردی و اجتماعی، در گرو اعمال صالح است و اعمال صالح صورت نمی‌گیرد مگر در صورت تحصیل رضایت‌مندی. عمده تلاش حکومت جهانی حضرت برای رسیدن به همین هدف است که با فراهم کردن رضایت فردی و اجتماعی افراد آنان را به کمال برساند.

## منابع

- ابى بكر، عبدالرزاق، المصنف، تحقيق حبيب الرحمن الاعظمى، بيروت: نشر المجلس الاعلى، ١٣٩٢.
- ابن طاوس، على بن موسى، الملاحم والفتن (التشريف بالمنن فى التعريف بالفتن)، قم: ذوى القربى، ١٤٣٥ق.
- ابن ماجه، أبو عبدالله محمد بن يزيد القزوينى، سنن ابن ماجه، دمشق: دارالرسالة العالمية، ١٤٣٠ق.
- ابن منادى، الحافظ أحمد بن جعفر بن محمد، الملاحم، قم: دارالسياره، ١٤١٨ق.
- ابن خراط، عبدالحق بن عبدالرحمن بن عبدالله، الأندلسى الأشبيلى، الأحكام الشرعية الكبرى، رياض: مكتبة الرشد، ١٤٢٢ق.
- أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق، سنن أبى داود، بيروت: دارالرسالة العالمية، ١٤٣٠ق.
- اتكينسون ريتال، اتكينسون ريجارد س. و هيلكارد ارنست ر، زمينه روان شناسى، ترجمه جمعى از مترجمان، تهران: رشد، ١٩٧٦م.
- إربلى، على بن عيسى بن ابى الفتح، كشف الغمّة، تبريز: مكتب بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
- آقا پيروز، على و همكاران، مديريت در اسلام، قم: مؤسسه پژوهشى حوزه و دانشگاه، ١٣٨٣ش.
- بن أبى شيبه، أبوبكر، عبدالله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستى العيسى، الكتاب المصنف فى الأحاديث والآثار، رياض: مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.
- ابن حنبل بن هلال بن أسد الشيبانى، أبو عبدالله أحمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٢١ق.
- جوادى آملی، عبدالله، تفسير تسنيم، قم: اسراء، هشتم، ١٣٨٨ش.
- جوهرى فارابى، اسماعيل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربية)، بيروت: دارالعلم للملايين، ١٤٠٤ق.
- جهانيان، ناصر، جهانى سازى، عدالت اقتصادى و مهدويت، فصل نامه انتظار موعود، ش ١٤، زمستان ١٣٨٣ش.
- الحاكم النيسابورى، محمد بن محمد، مستدرک الصحيحين، تحقيق: دكتور يوسف مرعشلى، بيروت: دارالمعرفه، ١٤٠٦ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت: اعلمى، ١٤٢٥ق.

- \_\_\_\_\_ ، *لإيقاظ من الهجعة بالبرهان على الرجعة* ، تهران: نوید، ۱۳۶۲ق .
- الحلی، الشیخ عزالدین الحسن بن سلیمان، *مختصر بصائر الدرجات*، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ق .
- حلّی، حسن بن سلیمان بن محمد، *مختصر البصائر*، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۱ق .
- الحموی الرومی، شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله، *معجم البلدان*، بیروت: دارالصادر، ۱۹۹۵م .
- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش .
- رایبیز، استیفن، *رفتار سازمانی*، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: نشر دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۹ش .
- الراغب الاصفهانی، *معجم مفردات الفاظ القرآن*، بیروت: دارالفکر، ۱۳۹۲ق .
- الراوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائح*، قم: مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق .
- سید جوادین، سیدرضا، *مبانی سازمان و مدیریت*، بی جا: نگاه دانش، دوم، ۱۳۸۶ش .
- السیوطی، عبدالرحمن بن أبی بکر جلال الدین، *الدر المنثور*، بیروت: دارالفکر، بی تا .
- \_\_\_\_\_ ، *العرف الوردی فی اخبار المهدي* عجل الله تعالی فرجه الشریف، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة، بی تا .
- شایان مهر، علیرضا، *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: کیهان، ۱۳۷۷ش .
- شعاری نژاد، علی اکبر، *فرهنگ علوم رفتاری*، تهران: سپهر، ۱۳۶۴ش .
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل البيت عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۹ق .
- صافی، گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی أحوال الإمام الثانی عشر*، قم: دفتر آیت الله صافی، ۱۳۸۰ش .
- صالحی امیری، سیدرضا، *امنیت اجتماعی*، تهران: نشر مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، اول، ۱۳۹۲ش .
- صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش .
- \_\_\_\_\_ ، *علل الشرائع*، بی جا: مؤسسه دارالحججہ الثقافه / چاپ خانه مهر، ۱۴۱۶ق .
- \_\_\_\_\_ ، *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الإسلامیة، دوم، ۱۳۹۵ق .

- \_\_\_\_\_ ، من لا يحضره الفقيه ، قم: دفتر انتشارات اسلامى ، ۱۴۱۳ ق .
- طباطبائى ، محمد حسين ، الميزان فى تفسير القرآن ، قم: مؤسسه اسماعيليان ، ۱۴۱۲ ق .
- طبرسى ، فضل بن حسن ، إعلام الورى بأعلام الهدى ، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام ، ۱۴۱۷ ق .
- طوسى ، محمد بن الحسن ، الامالى ، قم: دارالثقافة ، ۱۴۱۴ ق .
- \_\_\_\_\_ ، تهذيب الاحكام ، تهران: دارالكتب الاسلاميه ، ۱۴۰۷ ق .
- عياشى ، محمد بن مسعود ، تفسير العياشى ، تهران: المطبعة العلمية ، ۱۳۸۰ ق .
- فصيحى ، امان الله ، نقد تبیین کارکردی دین ، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى ، اول ، ۱۳۹۱ .
- القندوزى الحنفى ، سليمان بن ابراهيم ، يابيع المودة ، قم: اسوه ، ۱۴۱۶ ق .
- كامل سليمان ، يوم الخلاص فى ظل القائم المهدي عليه السلام ، بيروت: دارالمجتبى ، ۱۴۲۷ ق .
- كلينى ، ابى جعفر محمد بن يعقوب ، الاصول من الكافى ، تهران: دارالكتب الاسلاميه ، ۱۴۰۷ ق .
- كنجى شافعى ، محمد ، البيان فى اخبار صاحب الزمان ، بيروت: دارالمهجه البيضاء ، ۱۴۲۱ ق .
- گنجى ، حمزه ، روان شناسى عمومى ، تهران: دانا ، سوم ، ۱۳۷۶ ش .
- مجلسى ، محمدباقر ، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام ، بيروت: مؤسسة الوفاء ، ۱۴۰۴ ق .
- المروزى ، نعيم بن حماد ، الفتن ، بيروت: دارالكتب العلمية ، ۱۴۲۳ ق .
- مطهرى ، مرتضى ، مجموعه آثار استاد شهيد مطهرى ، تهران: صدرا ، ۱۳۹۴ ش .
- \_\_\_\_\_ ، نهضت هاى اسلامى در صد ساله اخير ، تهران: صدرا ، ۱۳۵۸ ش .
- مفيد ، محمد بن محمد ، الاختصاص ، قم: المؤتمر العالمى لالفیه الشيخ المفيد ، ۱۴۱۳ ق .
- موسوى خمينى ، سيد روح الله ، صحيفه امام ، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى عليه السلام ، ۱۳۸۹ ش .
- المقدسى السلمى الشافعى ، يوسف بن يحيى بن على بن عبدالعزيز ، عقد الدرر فى أخبار المنتظر وهو المهدي عليه السلام ، الأردن: مكتبة المنار ، الزرقاء ، ۱۴۱۰ ق .
- النعمانى ، ابن أبى زينب محمد بن ابراهيم ، الغيبة ، تهران: صدوق ، ۱۳۹۷ ق .
- هندى متقى ، كنز العمال ، تحقيق: شيخ بكرى حيانى و همكاران ، بيروت: مؤسسة الرسالة ، ۱۴۰۹ ق .
- الهيتمى السعدى الأنصارى ، أحمد بن محمد بن على بن حجر ، الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة ، لبنان: مؤسسة الرسالة ، ۱۴۱۷ .

- الهيثمي، أبو الحسن نور الدين على بن أبي بكر بن سليمان، غاية المقصد في زوائد المسند، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق.

- \_\_\_\_\_، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، المحقق: حسام الدين القدسي، القاهرة: مكتبة القدسي، ١٤١٤ق.

- Andrew D. Szilagyi, Marc J. Wallace, organizational behavior and performance, Scott, Foresman, 1987.
- Hersey Paul & Kenneth H. Blanchard. Management of Organizational Behavior, Utilizing Human Resources, 6th Ed., (prentice Hall international, U.S.A. 1993.
- <https://www.oxfam.org/en/research/reward-work-not-wealth>
- Robbins, Stephen P. Organizational Behavior, Concepts, Controversies, and Applications , 6th Ed., (Prentice - Hall international Editions, U.S.A. 1993 .